

آیا با گذشت کمیسیون آرز می‌توان تعقیب جزائی متخلفین آرزى را موقوف نمود؟

(کمیسیون آرز . تخلفات آرزى . مجازات متخلفین)

سالیان متمادی است که تقریباً کلیه مقامات قضائی و حتی دیوانعالی کشور کمیسیون آرز را در تعقیب جرائم تخلفات آرزى شاکی خصوص تلقی و استرداد شکایت او را موجب موقوفی تعقیب متخلف میدانند . و حال اینکه هیچ قانونی تصریحاً یا تلویحاً مقرر نداشته که استرداد شکایت کمیسیون آرز موجب جلوگیری از تعقیب متخلفین خواهد بود

مقدمه یادآوری مینمایم که بموجب ماده ۵ قانون اصول محاکمات جزائی جنحه و جنایات دونوع است یکی جرائمی که حیثیت عمومی آن اهمیت مخصوص دارد . دیگر جرائمی که حیثیت آن اهمیت کمتری دارد و بموجب ماده ۶ همان قانون در امور جزائی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب بر عهده مدعی العموم است چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد چه نکرده باشد . ولی در امور نوع ثانی مدعی العموم تعقیب نینماید مگر اینکه بدو مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد

موضوعی که باقی میماند اینست که آیا چه مقامی حق دارد جرائم نوع اول را از جرائم نوع دوم تفکیک کند . پاسخ این سؤال را تبصره ذیل ماده ۶ قانون اصول محاکمات جزائی داده است که میگوید (تفکیک امور نوع اول از نوع دوم و تعیین آنکه کدام امر جزائی از کدام نوع است در قانون جزائی مصرح است)

تصریحات قانون جزاهم دو قسم است یکی تصریحات مندرج در قوانین مخصوصه و دیگری تصریحات کلی مندرج در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی که میگوید (نظر بماده ۶ اصول محاکمات جزائی که امکان تعقیب قسمتی از جرمها را موقوف بشکایت مدعی خصوصی نموده است در مورد جرمهای مذکور در مواردیکه ذیل معین است تعقیب جزائی شروع نمیشود مگر بقضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد نمود تعقیب جزائی موقوف خواهد شد مگر اینکه متهم سابقاً محکومیت جنحه یا جنایت داشته باشد در صورتیکه مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد نماید دعوی خصوصی را فقط در محکمه حقوقی میتواند اقامه بکند . مواد فوق از قرار ذیل است قسمت اخیر ماده ۱۷۳ و ۱۷۴ قسمت دوم ماده ۱۹۳ مواد ۱۹۷ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۳ و ۲۳۵ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۸ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۶۰ و ۲۶۲ (باقی عدم شمول ماده ۲۶۳) ۲۶۴ قسمت اول ماده ۲۶۵ ماده ۲۶۸ و ۲۷۱ و ۲۷۲ (قسمت دوم ماده ۸۱ اصلاح شده در اردیبهشت هزار و سیصد و ده نیز بشکایت مدعی خصوصی منوط شده است)

تعقیب متخلفین ارزی

البته قانونگذار میتواند در مورد سائر جرائم نیز اعلام کند که استرداد شکایت شاکی خصوصی مانع تعقیب خواهد بود ولی مادام که چنین اعلامی نشده اصل اینستکه هر جنحه و جنایتی جنبه عمومی دارد و تعقیب آن محتاج بشکایت خصوصی نخواهد بود و استرداد شکایت هم مانع تعقیب نیست

متأسفانه در مورد تخلفات ارزی دادگاهها بدون توجه باصول و قواعد مسلمه فوق الذکر برای استرداد شکایت از طرف کمیسیون ارز ارزش قضائی خاصی قائل میشوند و حال اینکه در قانون راجع بمعاملات اسعار خارجی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ تصریح نگردیده که تخلفات ارزی از جرائم قابل گذشت است

البته اختیاراتی از لحاظ وضع مقررات صدور جواز و ارائه مدرک برای کمیسیون ارز در قانون مزبور قید است ولی بهیچوجه بکمیسیون مزبور جنبه شاکی خصوصی داده نشده است فقط ذیل ماده ۲ قانون راجع بمعاملات اسعار خارجی نوشته (هرگونه مقرراتی که برای حفظ موازنه اسعاری کشور لازم باشد و کلیه نظامنامه های اجرائی این قانون را کمیسیون اسعار تهیه و بوسیله وزارت و مالیه بهیئت وزراء پیشنهاد خواهد کرد)

بطوریکه ملاحظه میفرمائید قانونگذار فقط اختیار وضع نظامنامه اجرائی را بهیئت وزیران داده یعنی اجازه داده که از لحاظ اجرای کیفرهای مقرر برای متخلفین ترتیباتی مقرر شود ولی بهیچوجه اجازه نداده تخلفات ارزی را قابل گذشت بدانند و از اجرای مجازاتهای قانونی جلوگیری نمایند، عبارت دیگر مقنن نگفته است که تغییر ماهیت جرم عمومی بجرم خصوصی هم در صلاحیت هیئت وزیران خواهد بود

متأسفانه هیئت وزیران بدون توجه بحدود اختیارات مقرر در قانون، آئین نامه ای را تنظیم نموده که ضمن آن جرم تخلف ارزی قابل گذشت تلقی گردیده و اختیار جلوگیری از تعقیب راهم برای کمیسیون ارز قائل شده اند ماده ۴، تصویب نامه ۱۰۳۲-۱/۳۷/۱۲۲۰ که بموجب ماده ۲۳ تصویب نامه ۶۶۴۴ مورخه ۲۱/۴/۷ اصلاح شده میگوید (در مورد تعقیب متخلفین از مقررات قانون معاملات ارزی کمیسیون ارز سمت خواهان خصوصی داشته و در صورت استرداد شکایت در هر یک از مراحل قانونی قبل از قطعی شدن دادنامه تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. پس از قطعی شدن دادنامه نیز کمیسیون ارز میتواند از جزای نقدی مورد داد نامه صرف نظر نماید)

مخالفت ماده ۲۳ تصویب نامه شرح فوق با قانون تخلفات ارزی روشن است و بالاخص تفویض اختیار به کمیسیون ارز بمنظور جلوگیری از اجرای مدلول دادنامه های قطعی فاقد مجوز بنظر میرسد ولی مقامات قضائی بدون توجه بغير قانونی بودن تصویب نامه طبق مدلول آن عمل مینمایند و مادام که کمیسیون ارز اجازه تعقیب ندهد از بی کرد متهمین خودداری و پس از تعقیب هم در هر مرحله که کمیسیون ارز گذشت خود را اعلام دارد تعقیب جزائی و حتی اجرای حکم موقوف میشود و حال اینکه اصل ۸۹ متمم قانون اساسی مقامات قضائی را از اجرای مدلول نظامنامه های برخلاف قانون ممنوع داشته چه اینکه میگوید (دیوانخانه عدلیه و محکمه ها وقت احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدیرا اجرا خواهند

تعقیب متخلفین ارزی

داشت که آنها مطابق با قانون باشند) و از همین رو تبصره ذیل ماده قانون تشویق صادرات مصوب بهمن ۱۳۳۳ معافیت متخلفین ارزی را از مجازات در موارد خاصی مقرر داشته زیرا متوجه بوده که با تصویب نامه نمیتوان کسی را از مجازات معاف کرد

بنابش شرح فوق الذکر مداخله کمیسیون ارز در امر رسیدگی بتخلفات ارزی و اعلام گذشت از طرف او و صدور قرار موقوفی تعقیب در این قبیل موارد برخلاف نص صریح قانون است

بعضی از آقایان چنین استدلال میفرمایند که چون با فروش بعدی ارز بوسیله متخلف یا پرداخت مابه التفاوت بکمیسیون ارز نظر دولت تأمین میشود لذا در این صورت موردی برای تعقیب متخلفین باقی نخواهد ماند. این استدلال ممکن است از لحاظ فلسفه وضع قانون صحیح باشد ولی باید قانونگذار آنرا مطمح نظر قرار داده و جرم تخلفات ارزی را قابل گذشت اعلام دارد نه اینکه مجریان قانون با چنین استدلالی طبیعت قانونی جرم عمومی را تغییر بدهند کما اینکه در مورد سرقت هم با استرداد مال مسروقه بمانک آن موضوع شکایت منطقی منتفی است مع الوصف این امر مانع تعقیب جزائی و مجازات سارق نتواند بود

نکته دیگری که در قانون تخلفات ارزی قابل توجه است موضوع مجازات مقرر در ماده ۹ قانون راجع بعمليات اسعار خارجی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ میباشد که در نوع مجازات برای متخلفین مقرر داشته یکی حبس و دیگری جزای نقدی معادل دو برابر مبلغ موضوع عمل یا معامله ممنوع - ولی چون مجازات حبس در قانون تشویق صادرات از بین رفته اشکالی پیش آمده است

قبل از توضیح این اشکال لازم میدانم تصریح کنم که متخلف ارزی ممکن است در نوع جرم مرتکب شود یکی خودداری از فروش ارز بانکهای مجاز و دیگری فروش ارز بغیر از بانک. در مورد اول در واقع امتناع او قابل مجازات است ولی در مورد دوم هم امتناع او و هم عمل فروش او بغیر باید مجازات شود

قانونگذار با تعیین مجازات حبس و جزای نقدی در دو بند مجزا از یکدیگر توجه باین معنی داشته و خواسته است امتناع کنندگان را فقط ب مجازات مقرر در بند اول محکوم کند ولی فروشندگان ارز بغیر از بانک را علاوه بر حبس بجزای نقدی معادل دو برابر عمل یا معامله ممنوع نیز محکوم سازد زیرا در مورد نگهداری ارز خارجی و امتناع از فروش بانک، متخلف فقط مرتکب جرم حاصل از Inaction شده ولی در صورت فروش ارز بغیر مرتکب جرم حاصل از Action شده است. در صورت اول امید اینکه متخلف حاضر شود ارز خود را بانک بفروشد موجود است ولی در صورت دوم این امید واری بکلی منتفی است

بعبارة اخری اگر کسی ارز حاصل از صادرات را بانکها بفروشد چون عمل مثبت ممنوع انجام نداده لذا فقط باید زندانی شود ولی اگر آن ارز را بتاجر دیگری بفروشد هم حبس میشود و هم باید معادل دو برابر موضوع این معامله ممنوع جزای نقدی بپردازد عبارت ماده ۹ اینست «متخلفین از مواد ۱-۳ و ۴-۵-۶-۷ و مقررات و نظامنامه های مذکور در ماده ۲ بمجازاتهای ذیل محکوم میشوند.

تعقیب متخلفین ارزی

الف حبس از یکسال تا ۳ سال .

ب . مجرم - شرکا و معاونین بطور تضامنی بجزای نقدی معادل دو برابر مبلغ موضوع عمل یا معامله ممنوع . این امر مانع از این نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی شدیدتری باشد علاوه بر جزای نقدی فوق متخلف بمجازات مقرر در آن قوانین نیز محکوم گردد . محاکمه در تهران در محکمه هائی که وزارت عدلیه برای رسیدگی بجرائم اسعاری اختصاص خواهد داد بعمل میآید هفتاد درصد از جرائم ماخوذه بکاشفین تخلفات از این قانون پرداخته خواهند شد .

چون مجازات حبس مقرر در قانون تخلفات ارزی بعداً بموجب لایحه قانونی دکتر مصدق (ماده ۵ قانون تشویق صادرات مصوب ۲۲ بهمن ۱۳۳۲) از بین رفته است لذا در موارد استناع از فروش ارز که فقط مجازات حبس قابل اعمال بوده تخلف مرتکب غیر قابل مجازات مانده است و دادگاهها حق ندارند کسی را بجرم خود داری از فروش ارز ببانک مجازات نمایند و مادام که دلیلی بر فروش ارز مزبور باشخاص غیر از بانک اقامه نگردد اجرای کیفر حبس بعلت الغاء آن و اجرای کیفر جزای نقدی بعلت عدم وقوع معامله یا عمل ممنوع برخلاف قانون خواهد بود .

بمقصود از توضیحات فوق الذکر در درجه اول جلب توجه مقامات قضائی با اهمیت موضوع و در درجه دوم یادآوری مراتب بقوای مقننه و مجریه است که هر گاه با تردد اخیر بیگانگان در ایران واقف است آنها و احتیاجاتی که پیدا کرده اند لازم است تجدید نظری در قانون تخلفات ارزی بعمل آید آنرا در نظر بگیرند تا تکلیف مقامات قضائی و اختیارات کمیسیون ارز و وظیفه مردم بنحو روشن و صریح معین گردد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

